

علمی-پژوهشی
فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر
سال هشتم، شماره سوم، پیاپی (۲۶)، پاییز ۱۳۹۳
تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱
صص ۱۷۲ - ۱۴۹

بررسی رابطه بین جهانی شدن و فردگرایی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال یزد

علیرضا افشانی^۱، یاسین خرم‌پور^۲، ندا جواهرچیان^۳

چکیده

مطالعه حاضر با عنایت به نقش قابل توجه جهانی شدن و مؤلفه‌های آن در رشد فردگرایی درصدد است به بررسی رابطه بین جهانی شدن و فردگرایی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر یزد پردازد. در این پژوهش که به روش پیمایش انجام شده، ۳۸۴ نفر از جوانان شهر یزد با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و با کمک ابزار پرسشنامه محقق ساخته مورد مطالعه قرار گرفتند. برای محاسبه پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین جنس با فردگرایی افقی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد در حالی که بین جنس و فردگرایی عمودی رابطه معناداری وجود ندارد. بین میزان تحصیلات و فردگرایی نیز رابطه‌ای وجود ندارد. همچنین بین جهانی شدن و ابعاد آن با فردگرایی عمودی

afshanalireza@yazd.ac.ir

khoram67@yahoo.com

javaherchian.neda@yahoo.com

۱- دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و فردگرایی افقی تنها با بعد جهانی شدن فرهنگی رابطه مثبت و معنادار را نشان می‌دهد. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که بعد جهانی شدن فرهنگی بیش از ۱۷ درصد از واریانس فردگرایی عمودی را تبیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، جهانی شدن فرهنگی، فردگرایی افقی، فردگرایی عمودی، جوانان.

مقدمه

به نظر می‌رسد، همه ما تا اندازه‌ای، تحت نظام شکوفای جهانی اطلاعات، تجارت و حمل و نقل سریع زندگی می‌کنیم که در آن شباهت‌های جهانی به همان اندازه تفاوت‌های محلی، واضح است. در واقع سطح جدید اجتماعی و فرهنگی - یعنی سطح جهانی - در حال پیدایش است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۴). پیدایش این سطح در میان تمامی دوره‌های سنی دیده می‌شود، ولی در میان جوانان برجسته‌تر است؛ زیرا آنان بیشتر از دیگران در گستره روابط فرهنگی با جوامع دیگر قرار می‌گیرند. جامعه جهانی بیش از هر چیز محصول فشردگی زمان، فضا و بی‌بستر شدن روابط اجتماعی است. هر اندازه که آگاهی انسان‌ها از درهم تنیدگی جهانی و فشردگی فضا و زمان افزایش می‌یابد؛ بستر مناسب‌تری برای روابط اجتماعی متعدد و گفتگوی فرهنگی فراهم می‌شود (بیر^۱، ۱۹۹۴: ۹۴). جهانی شدن تغییرات گسترده‌ای را در سطوح گوناگون زندگی بشری، از مناسبات بین‌المللی گرفته تا روابط خانواده، ایجاد کرده است (تاملینسون^۲، ۱۹۹۹).

این پدیده، به واسطه فن‌آوری‌های بسیار پیشرفته و کارآمد ارتباطی و جدایی مکان از فضا و زمان، این امکان را فراهم می‌کند که زندگی اجتماعی در فضایی بسیار گسترده شکل بگیرد و توانایی مکان در محدود و مقید کردن روابط اجتماعی و گستره زندگی اجتماعی بسیار کاهش یابد. به بیان دیگر، فرایند جهانی شدن با متحول کردن فضا و زمان، در واقع، زندگی اجتماعی را متحول می‌کند (گیدنز^۳، ۱۹۹۴: ۴). مک‌گرو جهانی شدن را افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها و در نتیجه جوامع دامن می‌گستراند و نظام جدید

1 Beyer

2 Tomlinson

3 Giddens

جهانی را می‌سازند (سعیدی و کیا، ۱۳۸۵: ۱۱). آنتونی گیدنز اعتقاد دارد که جهانی شدن عبارت است از: «تشدید روابط اجتماعی که مکان‌های دوردست را به گونه‌ای به هم پیوند می‌دهد که به موجب آن رویدادهای محلی تحت تأثیر حوادثی شکل می‌گیرند که کیلومترها از هم فاصله دارند و بالعکس (کیلی و مارفیلیت، ۱۳۸۰: ۲۳۷). کاستلز نیز جهانی شدن را ظهور جامعه شبکه‌ای می‌داند که بافت اصلی و تار و پود آن را اطلاعات و نظام ارتباطات الکترونیک تشکیل می‌دهد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۴).

از طرف دیگر در عصر حاضر، مردم می‌توانند کاری را انجام دهند که می‌خواهند و می‌توانند چیزی بشوند که می‌خواهند بشوند، رویه‌ای که حاکی از فردی شدن است. به عبارت دیگر، امروزه مردم بر مبنای علائق و منافع فردی دست به کنش می‌زنند (گیبینز و بوریمر، ۱۳۸۴: ۱۱۰). فردگرایی و ویژگی جامعه در حال گذر از سنتی به صنعتی است (ریسمن^۱، ۱۹۵۶). جامعه فردگرا عدم هم‌نواپی با جمع را ارزش تلقی می‌کند و بر شکوفایی فردی و بازانندیشی در سنت‌های و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کند (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۸).

در جوامع فردگرا من (به جای ما در جوامع جمع‌گرا) هدایت‌کننده رفتار افراد است (سیوداس و همکاران^۲، ۲۰۰۸: ۲۰۱). این در حالی است که اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و تعهد به اهداف جمع تشکیل می‌دهد که این امر ریشه در وابستگی و ارتباط عاطفی با جمع دارد، اما پدیده‌ای مانند فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی بیانگر بی‌احساسی، بدبینی است (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۲). در واقع فردگرایی تولید فرهنگ غرب است. در نظم جدید، در مقایسه با شکل قبل آن، روابط اجتماعی به صورت قراردادی هستند و بیشتر روابط مبتنی بر دستاوردهای افرادند تا انتسابات آن‌ها (احمدی، ۱۳۸۳، ۷۰-۶۹). مسأله بودن فردگرایی در جامعه از آنجا ناشی می‌شود که فردگرایی عامل انزوا، خودشیفتگی و خودخواهی است که اساساً مخل نظم و توسعه اجتماعی است (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

ایران جامعه است که تحت تأثیر تحولات پرشتاب فناوری‌های نوین و جهانی شدن قرار

1 Riesman

2 Sivadas at el

گرفته است (سحابی، ۱۳۸۹: ۱). در جریان این تأثیرگذاری، دگرگونی‌هایی در سبک زندگی مردم در پرتو جهانی‌شدن اتفاق افتاده است (خواجانه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۷). جهانی‌شدن، به ویژه بعد اجتماعی عامل مهمی در تغییر نگرش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه است؛ امری که در بلندمدت نظام‌های ارزشی و باورهای افراد را که هویت سنتی آنها را تعریف می‌کند، از کارکرد خود ساقط می‌کند.

همچنین آثارها نشان از روند رو به افزایش فردگرایی در ایران را نشان می‌دهد. برای مثال، در تحقیق‌ها فاستد که در میان ۵۳ کشور جهان صورت گرفته است، رتبه فردگرایی در ایران را ۲۴ و یا به عبارتی کمی بیش از متوسط نشان می‌دهد (اعظم‌آزاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۰۳). به نقل از فاستد، (۱۹۹۴). از آنجایی که جامعه ما یک جامعه در حال گذر و در حال تغییر از جامعه سنتی می‌باشد الگوهای استناد در جامعه ما نیز، که در ابتدا الگوهای محلی و بومی بودند و اساس رفتارها را تشکیل می‌دادند، در ترکیب خود با الگوهای جدید، دچار دگرگونی شده‌اند (فکوهی، ۱۳۸۱).

در چنین جامعه‌ای فروپاشی ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات عشایری و روستایی و گسترش شهرنشینی که ناشی از رشد سریع جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرها می‌باشد، گسترش تحرکات اجتماعی و تعاملات بین فرهنگ‌ها را تشدید نموده و مردم بویژه جوانان در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارض قرار داده و بدنبال آن درخصایص افراد تغییراتی ایجاد شده که یکی از آنها، پشت‌گذاردن خصوصیات سنتی و تحقق فردگرایی افراد است. از آنجا که جوانان، از پذیرندگی فرهنگی بالایی نسبت به سایر گروه‌ها و قشرهای دیگر، روابط اجتماعی گسترده‌تری دارند و با مظاهر و وسایل تجدد و نوسازی، جهانی‌شدن و همچنین اندیشه‌ها و هویت‌های جدید، آشنایی و برخورد بیشتری دارند، بیش از دیگران در معرض تغییرات قرار می‌گیرند. لذا ضرورت دارد که تحقیق بر روی این گروه صورت بگیرد. همچنین شهر یزد به عنوان یکی از شهرهای بزرگ کشور که در معرض جهانی‌شدن و تغییرات حاصل از مدرنیته قرار دارد، دستخوش دگرگونی ارزشی و رفتاری شده است. لذا این تحقیق به دنبال بررسی این امر است که آیا بین جهانی‌شدن و فردگرایی رابطه وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

در تحقیق خواجه‌نوری، پرنیان و جعفری (۱۳۹۲) با عنوان مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان شهر شیراز، نتایج نشان داد: بین سبک زندگی مدرن با فردگرایی رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد، همچنین جهان‌شدن فرهنگی نقش بارزی در گسترش فردگرایی افراد دارد. یافته‌های تحقیق معدنی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد، که رابطه مستقیمی بین جهانی شدن فرهنگ و افزایش فردگرایی به عنوان یکی از ابعاد ارزش‌های زناشویی وجود داشت یعنی با افزایش جهانی شدن و گسترش تحولات ناشی از آن، فردگرایی در بین خانواده‌ها افزایش یافته است. معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده به این نتایج دست یافت که میزان فردگرایی فرزندان در حد متوسط وجود دارد. رابطه معناداری میان جنسیت، گروه سنی و سطوح تحصیلی و فردگرایی فرزندان وجود ندارد. بهروان و علی‌زاده (۱۳۸۶) در تحقیق خود با عنوان فردگرایی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه مشهد به این نتایج دست یافت: که متغیرهای تعدد نقش، خلوت شخصی و شبکه روابط اجتماعی تأثیر مستقیم بر فردگرایی و سنت‌گرایی تأثیر منفی داشته است. مرد بودن و سکونت در شهر بر میزان فردگرایی تأثیر مستقیم داشت و کسانی که در رشته الهیات تحصیل می‌کنند فردگرایی کمتری داشتند. نتایج تحقیق اعظم‌زاده و توکلی (۱۳۸۶) با عنوان فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری نشان می‌دهد که جمع‌گرایی با همه ابعاد دینداری ارتباط مثبت و معنادار دارد اما مستقل از بازانديشی در دین عمل می‌نماید. در مقابل فردگرایی با بعد تجربی دینداری و شاخص بازانديشی در دین روابط قوی‌تری را نشان می‌دهد.

منیرا^۱ (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان «فردگرایی و جمع‌گرایی در عصر جهانی شدن: مقایسه بین اسکاندیناوی و خاورمیانه» انجام داد. این مطالعه با هدف بررسی پیشرفت فردگرایی و جمع‌گرایی در ایران از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ و مقایسه آن با کشور نروژ انجام شد. مقایسه نتایج بررسی ایران و نروژ نشان داد در دوره مورد مطالعه، ایران بیشتر جمع‌گرا بوده است در حالی که روند مخالفی در نتایج مربوط به کشور نروژ مشاهده شد اما با توجه به روند رو به افزایش

جهانی شدن، ایران نیز به سمت فردگرایی حرکت می کند. در تحقیقی که کوی^۱ (۲۰۰۸) در خصوص هویت و جهانی شدن در امریکا انجام داد، به این نتیجه رسید که جهانی سازی موجب گردیده که بین نسل های جدید و نسل های گذشته فاصله زیادی حاصل شود و هم یکن موضوع بر هویت نسل جدید نیز تأثیر بگذارد؛ به طوری که تضاد زیادی بین آنها به وجود آید که نسل جدید در سنین پایین خواهان جدایی از والدین خود هستند. کوبایاشی^۲ (۲۰۰۷) پژوهشی با عنوان «فردگرایی ژاپن در روند جهانی شدن» انجام داد. این پژوهش که به شیوه اسنادی انجام شده است نشان می دهد چشم انداز آینده ژاپن حرکت از سمت جمع گرایی سنتی خود به سمت فردگرایی است. آن ها فردگرایی ناشی از جهانی شدن را فرصتی برای پیشرفت می دانند؛ زیرا تغییرات ناشی از فردگرایی منجر به اصلاح و نوآوری و پیشرفت این کشور در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به خصوص آموزشی می شود. در مطالعه ای که بارک^۳ (۲۰۰۷) در خصوص هویت و جهانی شدن انجام داد، به این نتیجه دست یافت که جهانی شدن تأثیر منفی بر هویت جوانان به خصوص در کشورهای آسیایی گذاشته، به طوری که برخی از جوانان در این کشورها کاملاً از هویت جمعی و ملی خود دوری می کنند و سعی می کنند هویت های جدیدی را کسب کنند، همین عامل موجب تضادهای نسلی بین آنها نیز می شود. در تحقیق بوکاونسکای^۴ (۲۰۰۲) نشان داده شده که جهانی شدن می تواند بر هویت جمعی، ساخت های اجتماعی و نظام های اجتماعی جامعه تأثیر بگذارد و موجبات تغییر و تحول را در آنها به وجود آورد و افراد را به سمت هویت فردی سوق دهد.

چارچوب نظری

توکویل در کتاب خود دموکراسی در امریکا به توصیف ماهیت روابط اجتماعی در جوامع دموکراتیک پرداخت برای اینکار او از اصطلاح فردگرایی استفاده کرده است. او فردگرایی را در عصر دموکراتیک امری اجتناب ناپذیر می دانست، اما از نظر او فردگرایی زمانی که به-

1 Koy

2 Kobayashi

3 Burke

4 Bukovansky

خودخواهی بدل شود پیامدهای ویرانگری دارد. از این رو او بین فردگرایی و خودخواهی برآمده از آن تمایز قائل است. به اعتقاد توکویل خودخواهی علاقه‌ای پرشور و مبالغه آمیز به- خود است که آدمی را وا می‌دارد به همه چیز با در نظر داشتن خودش فکر کند و خود را بر همه ترجیح دهد. فردگرایی احساسی ملایم و سنجیده است که هر شهروند را به جدا کردن خود از توده همگانش و کناره‌گیری از دایره خانواده و دوستان متمایل می‌کند او با این جامعه کوچکی که مطابق میل و سلیقه‌اش تشکیل شده است شادمانه جامعه بزرگتر را ترک می‌گوید و آن را به حال خود رها می‌کند (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۲۲). دنیل لرنر مراکز شهری جدید را به عنوان عامل ترقی و تقویت‌کننده احساس فردگرایی می‌داند. او استدلال می‌کند که شهرنشینی موجب افزایش روشن‌بینی و ارتقای تحریک روانی شده است (از کیا، ۱۳۸۴: ۵۴). در اندیشه وبر نیز شهر از دوران قرون وسطی به بعد مرکز توسعه فردگرایی است. از نظر وبر، فردگرایی از بسیاری جهات با تخصصی‌شدن محیط شهری گسترش می‌یابد، در واقع فردگرایی خصلت ویژه شهر است. در زندگی اجتماعی شهری، وقت‌شناسی، حساب‌گری و دقیق‌بودن لازمه زندگی پیچیده است (کوزر، ۱۳۷۹). وبر معتقد است که عقلانی‌شدن جهان نتیجه توسعه‌یافتگی و صنعتی‌شدن است و آن را همراه با افزایش فردگرایی می‌داند (وبر، ۱۳۸۱: ۵).

زیمل معتقد به یک روند تفکیک اجتماعی، در جوامع نوین بود. ولی به جای پرداختن به مرحله‌بندی مسیر حرکت جوامع کار خود را بر روی اهمیت و طبیعت عضویت‌های گروهی متمرکز نمود. در بحث شبکه پیوستگی‌های گروهی علاقه زیمل این بود که تا چه حد تغییرات در شبکه ساخت‌های اجتماعی تشکیل‌دهنده‌ی جامعه بر روی مردم اثر می‌گذارد. از دید زیمل در واقع تعداد و مبنای گروهایی که افراد به آنها تعلق دارند، صرف‌نظر از علایق و تمایلات گروه‌ها، بر روی کنش متقابل تأثیر می‌گذارد (ریتزر، ۱۳۸۰: ۲۲۱). از دیدگاه زیمل فرآیند تفکیک اجتماعی، دو تحول اساسی در شیوه کنش متقابل در جامعه ایجاد کرده است. اولین تغییر مبنای شکل‌گیری گروه‌ها از ارگانیک به عقلایی است. توضیح اینکه وقتی گروه‌های اجتماعی بر اساس عامل ارگانیک تشکیل می‌یابند افراد هیچ کنترلی روی عوامل خارجی زیربنایی گروه ندارند. نمونه‌هایی از این عوامل که عمدتاً به وسیله ولادت تعیین می‌شوند عبارتند از: خانواده، محل اقامت، قومیت. در مقابل، زمانی که پیوستگی‌های گروهی عقلایی

باشد، تشکیل گروه‌ها بر اساس آگاهی، برنامه‌ریزی و انتخاب فردی می‌باشد. یکی دیگر از تحولات ساختاری ناشی از تفکیک اجتماعی، افزایش تعدد گروهایی است که مردم می‌توانند به آنها پیوند داشته باشند (ریتزر، ۲۲۲). تعلق به گروه‌های مختلف بدین معنی است که انسان‌ها به عنوان افرادی که گرایش‌ها و تجربیات منحصر بفرد دارند، در نظر گرفته می‌شوند و هر کس از دیگران متفاوت است (ریتزر، ۳۲۳). در این گروه‌ها افراد از شخصیت منحصر بفرد خویش آگاهی پیدا کرده و این آگاهی منجر به آزادی فردی می‌گردد (ریتزر، ۳۲۴). زیمیل معتقد است که ژرفترین مسائل زندگی مدرن از تلاش فرد برای حفظ استقلال و فردیت در مقابل قدرت‌های حاکم جامعه و در مقابل سنگینی میراث تاریخی و فرهنگ بیرونی و تکنیک زندگی ناشی می‌شود. به نظر وی اگر چه در دنیای مدرن به آزادی فرد از اسارت منجر شده، اما خود محدودیت‌هایی را برای فرد ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که افراد برای حفظ آزادی در سبک زندگی خود، به پدیده‌های چون مد و.. پناه می‌برند. تا به واسطه آن به آرامش درونی و روانی رسیده، هویت خود را بازیابند. به عبارت دیگر در شهرهای بزرگ، شخص مصرف می‌کند تا هویتی را که دوست دارد برای خود بسازد. از نظر زیمیل، پول با جدا کردن درگیری‌های عاطفی از معاملات اقتصادی، افزایش تعداد شرکای داد و ستد را امکان‌پذیر می‌سازد؛ آزادی فرد را با گسستن پیوندهای فراگیر نسبت به گروه نخستین (مثلاً خانواده یا قبیله) افزایش می‌دهد و بدین سان، جهان‌نگری فردگرایانه را ارتقا می‌بخشد. وی نیز همانند وبر از تهدیدی که فرهنگ مدرن، با تأکید بر عقلانیت ابزاری، متوجه استقلال فرد می‌کند، ابراز نگرانی می‌کند (کیوستو، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۷۷).

دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی بر اساس اصل همبستگی اجتماعی دو نوع جوامع را از یکدیگر تفکیک می‌کند: جوامع با همبستگی مکانیکی و جوامع با همبستگی ارگانیکی. از نظر او جوامع مکانیکی جوامعی ساده با کمترین تقسیم کار می‌باشد. این نوع جوامع شبیه جوامع گمیشافت تونیس می‌باشد. اما در مقابل جوامع صنعتی که بر اساس همبستگی ارگانیک استوارند تقسیم کار فزاینده‌ای وجود دارد. در این نوع جوامع بخش‌های مختلف جامعه کارکردهای متفاوتی انجام می‌دهند و این منجر به تفاوت‌های فردی و در نهایت فردگرایی در جامعه می‌گردد (دورکیم، ۱۳۸۷). دورکیم در نظریه خود بر فردگرایی اخلاقی اشاره می‌کند.

در این فردگرایی که بر پایه احساس همدردی، و آرزوی برابری و عدالت بنیاد شده است، فرد در پیوند با نظام اجتماعی، در قبال افراد دیگر جامعه و اخلاق مدنی مسوول است. دورکیم با بررسی مسأله خودکشی، خطرهای فردگرایی معاصر را نیز مطالعه کرده است (وثوقی و میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

به اعتقاد تریاندیس رفتار انسان‌ها تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌کنند. فرهنگ شامل قوانین، آداب و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای فرهنگی، جمع‌گرایی و فردگرایی است (تریاندیس^۱، ۱۹۹۸). هوفستد معتقد است در فرهنگ‌های جمع‌گرا افراد احساس می‌کنند عمیقاً به گروه و اجتماع تعلق خاطر دارند. در این جوامع تصمیم‌های گروه بر تصمیم‌های فردی ارجحیت داده می‌شوند و رفتار افراد با قوانین، اهداف و ارزش‌های گروه محک می‌خورد. این در حالی است که در فرهنگ‌های فردگرا خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری دارند (هوفستد، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

بسیاری از نظریه پردازان بر این باورند که استقلال فرد یکی از نقاط کانونی مدرنیته و جهانی شدن است. باومن ضمن اشاره به تأثیر جهانی شدن بر سبک زندگی، تأثیر سبک زندگی بر فردگرایی و جدایی از مکان را نشان می‌دهد. باومن به نقل از کاستلز بیان می‌کند که دوگانگی روزافزونی با توجه به وسایل ارتباطی میان شیوه زندگی افراد در حال شکل‌گیری است. وی در ادامه اشاره می‌کند که ارتباطات عملاً دنیایی جدیدی به روی افراد گشوده‌اند که می‌تواند گونه‌ای فردگرایی تعبیر شود: بارزترین خصیصه این ارتباطات مشترک، فاصله گرفتن افراد از شهر و محل زندگی شان و انزوای آنهاست (باومن^۲، ۲۰۰۷: ۷۴). الیوت و لمرت بیان می‌کنند که جهانی شدن درک ما را از فردگرایی مان و خودمان دوباره شکل می‌بخشد (الیوت و لمرت^۳، ۲۰۰۶: ۶۴). هریوت و اسکات-جکسون بر این باورند که جهانی شدن و توسعه‌های مرتبط با آن، انگیزه برای فردگرایی را تشدید می‌کند و فردگرایی در زندگی اجتماعی نمایان است (هریوت و اسکات-جکسون^۴، ۲۰۰۲: ۲۴۹).

1 Triandis

2 Bauman

3 Elliott & Lemert

4 Herriot & Scott-Jackson

فردگرایی در ارتباط با کنار رفتن سنت‌ها و رسوم از زندگی افراد است. این پدیده نیز با فرآیند جهانی‌شدن در مفهوم گسترده آن ارتباط دارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۳). دگرگونی در مؤلفه‌های فرهنگی و سبک زندگی جوامع بر اثر تماس مستقیم و یا با واسطه فرهنگ‌های مختلف، در جریان جهانی‌شدن رخ می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۶۲). جهانی‌شدن، واجد دگرگونی‌های مهم در زندگی نوع بشر بوده است، اما آنچه بیشتر جوامع (به‌ویژه کشورهای در حال توسعه) را تحت تأثیر خود قرار داده، فرآیند فرهنگ‌پذیری است. این فرآیند انتقال فرهنگ و تغییر آن، توسط رسانه‌ها انجام می‌شود. رسانه‌ها کارگزاران اصلی جهان‌شدن هستند و نقشی عمده در تکمیل و جداسازی زمان و مکان ایفا می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۷). ارتباطات همگانی تأثیر فراگیری بر تجربه ما دارند. این امر تنها به این علت نیست که آنها بر نگرش‌های ما به شیوه‌های خاصی تأثیر می‌گذارند، بلکه از آن روست که آنها وسیله دسترسی به اطلاعاتی هستند که بسیاری فعالیت‌های اجتماعی به آن بستگی دارد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۸۳).

یکپارچگی جهانی، پدیده‌ای بیرونی و مربوط به نظام‌های بزرگ، میدان‌های بازار جهانی یا صرفاً روندی تأثیرگذار بر ملت‌ها نیست، بلکه پدیده‌ای ذاتی نیز هست. سبک زندگی، شخصیت، هویت و روابط با مردم دیگر هم با روند یکپارچگی تغییر شکل می‌دهند و حالت جدید می‌گیرند، چون یکپارچگی جهانی، فرهنگ محلی و محتوای زندگی محلی را مورد تهاجم قرار می‌دهد و ما را مجبور می‌کند تا به صورتی بازتر، انعطاف‌پذیرتر و فردی‌تر زندگی کنیم (گیدنز، ۱۳۷۹: ۳۶). به بیان دیگر، فرآیند جهانی‌شدن، از طریق سبک زندگی باعث شکل‌دادن به حوزه فردی و عمومی اعضای جامعه می‌شود و تمامی عرصه‌های حیات فکری و زندگی مادی فرد را در دو حوزه خصوصی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

تریاندیس بخش اصلی فعالیت‌های پژوهشی خود را بر مطالعه فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا متمرکز ساخته است. وی با شناسایی ویژگی‌های این دو فرهنگ درصدد ساختن مقیاسی استاندارد برای اندازه‌گیری خصوصیات فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گراست. از نگاه وی، ما جهان را کمتر آن گونه که هست و بیشتر آن گونه که هستیم، می‌بینیم (تریاندیس، ۱۳۷۸: ۴۴). این امر نشان‌دهنده تأثیر فرهنگ بر جهت‌گیری شخصی است. در واقع، فرهنگ بر شکل‌گیری

شخصیت افراد تأثیرگذار است (تریانديس، ۲۰۰۱). در گرایش‌های فردگرایانه، تعریف از خود غیروابسته، و به صورت یک هستی جداگانه ظاهر شده و در روابط بر عقلانیت تأکید می‌شود. در این حالت، افراد اختلالات شناختی زیادی را تجربه کرده و در تعیین رفتار بیشتر و بر گرایش‌های فردی تا هنجارهای موجود تکیه می‌کنند. فردگرایی به استقلال رأی و تکیه بر عقلانیت اشاره دارد.

تریانديس مفاهیم افقی و عمودی را به فردگرایی می‌افزاید. حالت افقی فردگرایی نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن بر برابری تأکید می‌شود و عمودی سلسله‌مراتب در روابط را نشان می‌دهد (تریانديس، ۱۹۹۵). بر این اساس، کسانی که در تقسیم‌بندی افقی جای دارند، در مقایسه با کسانی که در تقسیم‌بندی عمودی سستند (مانند جامعه روستایی هندوستان)، به سلسله‌مراتب اهمیت زیادی نمی‌دهند. در فردگرایی افقی شخص می‌خواهد منحصر بفرد و متمایز از دیگران باشد، اما علاقه‌ای به برجسته شدن ندارد. فردگرایان افقی کار مستقل خود را انجام می‌دهند، اما لازم نمی‌دانند خود را با دیگران مقایسه کنند (جامعه سوئد). بر عکس، در فردگرایی عمودی تشخص پایگاهی مدنظر است و این کار از طریق رقابت با دیگران انجام می‌شود. این نوع از فردگرایی به مقایسه با دیگران اهمیت زیادی می‌دهند و تلاش می‌کنند از دیگران متمایز، بهتر و برتر باشند، مانند ایالات متحده آمریکا (تریانديس و همکاران، ۱۹۸۸؛ تریانديس، ۲۰۰۱). تریانديس بر عوامل چهارگانه به هم مرتبط که به عنوان جنبه‌هایی که معرف فردگرایی هستند، تأکید می‌کند که عبارتند از: خود اتکایی، رقابت، لذت‌گرایی و فاصله عاطفی از درون گروه (تریانديس و همکاران، ۱۹۹۰: ۱۰۳-۱۰۱).

فرضیات تحقیق

- بین جنس و فردگرایی (عمودی و افقی) رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات و فردگرایی (عمودی و افقی) رابطه وجود دارد.
- بین ابعاد جهان‌شدن با ابعاد فردگرایی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش پیمایشی است تا توصیف و تبیین اطلاعات جمع‌آوری شده در خصوص موضوع تحقیق (بررسی رابطه میزان جهانی‌شدن و فردگرایی در بین جوانان شهر یزد) بر مبنای آن انجام پذیرد. جامعه آماری تحقیق عبارت است از تمامی جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر یزد، که تعداد طبق سرشماری ۱۳۹۰ شهر یزد، ۱۸۲۰۹۴ نفر گزارش شده است. بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه آماری این پژوهش، ۳۸۴ نفر بدست آمد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه است. همچنین روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. برای سنجش روایی و پایایی پرسشنامه، ابتدا ۴۰ پرسشنامه را بین نمونه‌ی آماری (جوانان شهر یزد) توزیع کرده، با آزمون آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه سنجیده شد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

فردگرایی: فردگرایی مفهومی مدرن است که در مقابل جمع‌گرایی جامعه‌سنتی قرار می‌گیرد. جامعه جمع‌گرا بر همنوایی فرد با گروه تأکید می‌کند و رفتار مورد انتظار از فرد را انعکاس‌هنجارهای گروه می‌داند. در مقابل، جامعه فردگرا عدم همنوایی با جمع را ارزش تلقی می‌کند و بر شکوفایی فردی و بازاندیشی در سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کند (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۸). به‌طور کلی موضوع‌های اصلی فردگرایی عبارتند از: خوداتکایی، رقابت، فاصله عاطفی، احساس دوری از گروه، لذت‌طلبی، خلاقیت و پذیرش نافرمانی. فردگرایی به دو نوع افقی و عمودی تقسیم می‌شود: فردگرایی افقی شاخص‌هایی همچون: خودباوری، اعتقاد به توانایی خود، خوداتکایی و انتخاب اهداف شخصی را شامل می‌گردد. فردگرایی عمودی شاخص‌هایی جاه‌طلبی، خودمحوری (اولویت قرار دادن منافع فردی) و رقابت را شامل می‌باشد، برای سنجش فردگرایی (عمودی و افقی) از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است، که میزان آلفای فردگرایی افقی و عمودی به ترتیب برابر با ۰/۷۳ و ۰/۷۶ بدست آمد، که نشان‌دهنده همبستگی درونی بالا بین گویه‌های تحقیق است.

جهانی شدن: مفهومی فراگیر است که برای توصیف درهم تنیدگی و به هم پیوستگی جامعه انسانی در مقیاس جهانی وضع شده است. دیوید هلد، آنتونی مک گرو و بسیاری دیگر از نظریه پردازان جهانی شدن بر این واقعیت اتفاق نظر دارند که جهانی شدن مجموعه‌ای از فرآیندهاست که تضمین کننده تغییر در روابط اجتماعی است (جونز^۱، ۲۰۰۶: ۱۱۲). تعداد گویه‌های این متغیر ۸ سوال بود که بر اساس تکنیک تحلیل عامل به ۲ بعد تقسیم شد و برای هر بعد از ۴ گویه استفاده گردید. بعد اول جهانی شدن فرهنگی و بعد دوم هنجارهای فراملی نام گذاری شد. نتایج تحلیل عامل جهانی شدن و گویه‌های آن در جدول شماره ۲ آورده شده است. سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای، و در قالب طیف لیکرت طرح ریزی شد. جهت تعیین اعتبار مقیاس جهان شدن نیز از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است. بر اساس جدول شماره ۱ مقدار KMO برابر با ۰/۷۰۸ است که بیانگر کفایت نمونه گیری است. مقدار آزمون بارتلت ($P < ۰/۰۰۱$) نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد. تحلیل عاملی تأییدی با چرخش واریماکس در نهایت استخراج ۲ عامل جهان گرایی گردید که قادرند ۴۹ درصد واریانس جهان گرایی را تبیین کنند. میزان آلفای کرونباخ مقیاس جهانی شدن برابر با ۰/۷۲۱ می‌باشد، که نشان دهنده همبستگی درونی قابل قبول بین گویه‌ها است.

جدول ۱: ارزیابی اعتبار مقیاس جهانی شدن

مقدار آلفا	واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	عامل‌ها		گویه‌ها
			۲	۱	
			وزن عاملی	وزن عاملی	
۰/۷۳۰	۲۸/۵۵	۲/۲۸		۰/۷۹۴	عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی منافع فراوانی برای کشورمان در پی دارد.
				۰/۷۳۲	مسائل ایران مرتبط با مسائل دنیا است.
				۰/۶۶۵	علاقه مندم به عضویت انجمن‌های جهانی مدافع محیط زیست و صلح جهانی درآیم.
				۰/۴۹۵	دولت مردان باید زمینه سرمایه گذاری خارجی در کشورمان را فراهم بیاورند.

۰/۶۸۶	۲۱/۲۸	۱/۷۰	۰/۶۹۴		باید با تبلیغات رسانه‌های غربی مقابله کنیم.
			۰/۶۵۹		مایلم برای یک موقعیت کاری به یک کشور دیگر، نقل مکان کنم.
			۰/۶۵۳		موسیقی و ترانه‌های سایر کشورها و ملل را گوش می‌کنم.
			۰/۶۴۷		فیلم‌های هالیوودی و غربی تضادی با ارزش‌های جامعه ما ندارند.
۰/۷۰۸					آزمون KMO جهت متناسب بودن اندازه نمونه
Chi-square=۴۳۷/۹۴		DF= ۲۸	Sig=۰/۰۰۰	آزمون Bartlett جهت درست بودن تفکیک عامل‌ها	
۰/۷۲۱					میزان آلفای کرونباخ کلی جهانی شدن

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

از مجموع کل پاسخگویان، ۲۰۰ نفر (۵۲/۱ درصد) را مردان و ۱۸۴ (۴۷/۹ درصد) را زنان تشکیل داده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۲/۷ سال، محدوده سنی بین ۱۵-۲۹ سال بوده که ۲۱/۶ درصد از آنها، در گروه سنی ۱۹-۱۵ سال، ۴۳/۲ درصد از آنها در گروه سنی ۲۴-۲۰ و ۳۵/۲ درصد در گروه سنی ۲۹-۲۵ بودند. از مجموع ۳۸۴ پاسخگو، ۷۶/۸ درصد مجرد و ۲۳/۲ درصد از آنها متأهل بودند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جهانی شدن

جهان گرایی	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۱۱	۲/۹
متوسط	۲۱۰	۵۴/۷
زیاد	۱۶۳	۴۲/۴

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، که ۲/۹ از افراد دارای میزان جهان‌شدن پایین و ۵۴/۷ درصد دارای جهان‌شدن متوسط و ۴۲/۴ درصد از افراد دارای جهان‌شدن بالایی بودند.

جدول شماره ۳. تحلیل توصیفی میزان فردگرایی افقی و عمودی در بین پاسخگویان

فردگرایی افقی	فراوانی	درصد فراوانی
پایین	۲۴	۶/۳
متوسط	۲۵۳	۶۵/۹
بالا	۱۰۷	۲۷/۹
فردگرایی عمودی	فراوانی	درصد فراوانی
پایین	۵۷	۱۴/۸
متوسط	۲۸۰	۷۲/۹
بالا	۴۷	۱۲/۳

نتایج جدول شماره ۲ بیانگر این امر است که ۲۴ نفر (۶/۳ درصد) از پاسخگویان دارای فردگرایی افقی پایینی، ۲۵۳ نفر (۶۵/۹ درصد) فردگرایی افقی متوسطی و ۱۹۷ نفر (۲۷/۹ درصد) دارای فردگرایی افقی بالایی بودند. از دیگر نتایج جدول بالا این است که از ۳۸۴ نفر تحقیق، ۵۷ نفر (۱۴/۸ درصد) دارای فردگرایی پایینی، ۲۸۰ نفر (۷۲/۹ درصد) پاسخگویان فردگرایی افقی متوسطی، و ۴۷ نفر یعنی بیش از ۱۲ درصد از پاسخگویان دارای فردگرایی افقی بالایی بودند. از آنجایی که فردگرایی افقی بر محورهای مانند، جاه طلبی، رقابت، خود محوری تأکید می شود، میزان این متغیر نیز در بین پاسخگویان کم بوده است.

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: بین جنس و فردگرایی (افقی و عمودی) رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۴- خروجی آزمون تی برای مقایسه میانگین فردگرایی به تفکیک جنس

متغیر	مقولات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی داری
جنس و فردگرایی افقی	مرد	۲۰۰	۲۷/۱۹	۴/۲۵	۳/۰۱	۳۸۲	۰/۰۰۳
	زن	۱۸۴	۲۵/۸۰	۴/۷۸			
جنس و فردگرایی عمودی	مرد	۲۰۰	۴۲/۷۳	۸/۶۲	۱/۲۵	۳۸۲	۰/۲۱۱
	زن	۱۸۴	۴۱/۶۱	۸/۷۹			

همان طور که نتایج آزمون تی نشان می دهد میزان فردگرایی افقی در بین زنان و مردان متفاوت است ($Sig=0/003$) و میزان مردان فردگرایی افقی در بین مردان بیشتر از زنان است، لذا فرضیه فوق تأیید می شود. همچنین جدول شماره ۲ نشان می دهد که بین زنان و مردان در میزان فردگرایی عمودی تفاوت معنی داری وجود ندارد، لذا فرضیه فوق رد می شود. فرضیه دوم: بین میزان تحصیلات و میزان فردگرایی (افقی و عمودی) رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵. خروجی آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین فردگرایی بر حسب رشته تحصیلی

متغیر	گروهها	میانگین	انحراف معیار	میانگین درون گروهی	میانگین بین گروهی	F	سطح معنی داری
میزان تحصیلات و فردگرایی افقی	سیکل	۵۸	۲۷/۹۸	۷۸۱۱/۸۹	۱۵۵/۵۱	۱/۸۸	۰/۱۱۳
	دیپلم	۷۲	۲۶/۳۰				
	فوق دیپلم	۵۱	۲۵/۸۶				
	لیسانس	۱۳۵	۲۶/۳۱				
	ارشد و بالاتر	۶۷	۲۶/۴۶				
میزان تحصیلات و فردگرایی عمودی	سیکل	۵۸	۴۳/۹۴	۲۸۵۵۶/۰۱	۳۶۸/۸۶	۱/۲۱	۰/۳۰۳
	دیپلم	۷۲	۴۱/۹۵				
	فوق دیپلم	۵۱	۴۰/۸۶				
	لیسانس	۱۳۵	۴۱/۶۳				
	ارشد و بالاتر	۶۷	۴۳/۱۱				

جدول شماره ۳ به بررسی رابطه بین میزان تحصیلات و فردگرایی (عمودی و افقی) می پردازد، با توجه به سطح معنی داری متغیرها می توان گفت که تفاوت آماری بین میزان تحصیلات و فردگرایی وجود ندارد، لذا فرضیه فوق رد می شود. بنابراین می توان گفت که تفاوت بین افراد با تحصیلات بالا و پایین، از لحاظ میزان فردگرایی وجود ندارد.

جدول شماره ۶. ماتریس همبستگی مرتبه صفر^۱ بین ابعاد جهانی شدن با ابعاد فردگرایی

ابعاد فردگرایی		جهانی شدن و ابعاد آن			متغیر	
فردگرایی عمودی	فردگرایی افقی	شاخص کلی جهانی شدن	هنجارهای فراملی	جهانی شدن فرهنگی		
				۱	جهانی شدن فرهنگی	جهانی شدن و ابعاد آن
			۱	۰/۳۴۴**	هنجارهای فراملی	
		۱	۰/۷۲۷**	۰/۸۰۴**	شاخص کلی جهان شدن	
	۱	۰/۰۹۱	۰/۸۹	۰/۱۲۲**	فردگرایی افقی	فردگرایی و ابعاد آن
۱	۰/۴۹۸**	۰/۳۷۱**	۰/۲۱۲**	۰/۳۲۴**	فردگرایی عمودی	

یافته‌های ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که بین بعد جهانی شدن فرهنگی با بعد فردگرایی عمودی رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد، بدین صورت که با افزایش جهانی شدن فرهنگی، فردگرایی عمودی پاسخگویان نیز بیشتر می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بعد جهانی شدن فرهنگی با بعد فردگرایی افقی رابطه مثبت و معنی داری را نشان می‌دهد. بین بعد هنجارهای فراملی با فردگرایی عمودی نیز رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، تفسیر آن بدین گونه می‌باشد که با افزایش هنجارهای فراملی پاسخگویان، میزان فردگرایی عمودی آنها نیز بیشتر می‌شود. ولی بین بعد هنجارهای فراملی با فردگرایی عمودی رابطه معنی داری وجود ندارد. شاخص کلی جهان شدن که از ترکیب ۲ بعد بدست می‌آید، با فردگرایی عمودی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد ولی با فردگرایی افقی رابطه‌ای را نشان نمی‌دهد. در بین ابعاد جهان شدن بعد جهانی شدن فرهنگی، قویترین همبستگی را با ابعاد فردگرایی دارد.

رگرسیون چند متغیره

برای تبیین بیشتر متغیرها از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در این روش به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل از روش گام به گام استفاده شده است؛ در این روش متغیرهای

مستقل به ترتیب اهمیت وارد مدل می‌شوند با این تفاوت که هر بار بعد از ورود یک متغیر، متغیرهای که تاکنون وارد شده‌اند مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر سطح معنی‌داریشان کاسته شد از مدل خارج، وگرنه باقی می‌مانند.

جدول شماره ۷. جدول رگرسیون برای تبیین واریانس فردگرایی عمودی

مرحله	متغیر	Beta	B	T	Sig	R	R ²
۱	جهانی‌شدن فرهنگی	۰/۲۵۸	۰/۳۶۱	۵/۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۳۱۲	۰/۱۷۲

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، که بعد جهانی‌شدن فرهنگی قادر به تبیین بیش از ۱۷ درصد از واریانس فردگرایی عمودی است. در واقع مقدار بتای جهانی‌شدن فرهنگی برابر با ۰/۲۵۸ بوده است، یعنی با افزایش دید جهانی‌شدن فرهنگی پاسخگویان، میزان فردگرایی عمودی آنها نیز بیشتر می‌شود. باقی متغیرهای تحقیق از مدل خارج شدند. همچنین مابقی میزان فردگرایی عمودی به خاطر پیچیده‌بودن این متغیر و تأثیرپذیری از سایر متغیرها است که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفتند.

نتیجه‌گیری

در جامعه فردگرا، فرد مدرن توانایی‌های خاصی پیدا می‌کند. از جمله اینکه اجازه می‌یابد عقلانی‌تر عمل کرده و بسیاری از سنت‌های بسته‌بندی و یقینی قبلی را مورد تردید قرار دهد. توانایی دیگر، بازاندیشی در خصوص خویش و عرصه‌های مختلف زندگی خود، گزینش از بین تعدادی از بدیل‌ها و انتخاب‌های مختلف و دسترسی به منابع متنوع و پراکنده است. بدین ترتیب همراه با فردگرایی و عقلانیت ملازم با آن، بسیاری از ارزش‌های جامعه نیز از شکل یقینی خود خارج می‌شود و مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی ارزش‌ها در نبود تأیید دائمی اجتماعی و بازاندیشی مداوم خصلت قطعی و بدیهی خود را از دست داده و از نگرش متنوع افراد تأثیر می‌پذیرد؛ لذا به نظر می‌رسد در جامعه کنونی بسیاری از تغییرات با مفهوم فردگرایی در ارتباط می‌باشد. ذهنیت ناشی از فردگرایی با شاخص‌های همچون نسبی‌شدن، عدم قطعیت و بازاندیشی و... آگاهی افراد را دگرگون کرده و اصول اساسی جهان

اجتماعی را که قبلاً بدیهی تصور می شد به سؤال می کشد. تحقیق حاضر به بررسی تجربی رابطه بین جهانی شدن و فردگرایی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر یزد پرداخته است. فرضیه اول مربوط به رابطه بین جنس و فردگرایی بود. نتایج نشان داد که مردان بیشتر از زنان از فردگرایی افقی بالاتری برخوردار هستند، نتایج این یافته با نتایج تحقیق بهروان و علیزاده (۱۳۸۶) همسو می باشد و با نتایج تحقیق معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۹) مغایرت دارد، می توان بدین صورت نیز بیان کرد که شبکه روابط اجتماعی و تعدد نقش در میزان فردگرایی نقش اساسی دارد و از آنجایی که مردان به نسبت زنان از شبکه روابط اجتماعی قویتر و بیشتری برخوردارند، لذا فردگرایی مردان نیز بیشتر است.

بین تحصیلات و فردگرایی نیز رابطه ای وجود نداشت. نتایج این یافته با نتایج تحقیق معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۹) همسو است. برای تبیین این یافته می توان بدین صورت بیان کرد، چون در عصر جهانی شدن همه قشرها و افراد تحت تأثیر رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی هستند و این وسایل نقش بارزی در میزان فردگرایی افراد دارند، لذا طبیعی است که تفاوتی بین افراد با تحصیلات بالا و پایین در میزان فردگرایی وجود نداشته باشد.

یافته های دیگر تحقیق نشان داد که بین جهانی شدن و ابعاد آن با فردگرایی عمودی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که فردگرایی افقی تنها با بعد جهانی شدن فرهنگی رابطه معنی دار و مستقیم داشت. نتایج این یافته با نتایج تحقیقات (خواجه نوری و همکاران ۱۳۹۲، معدنی ۱۳۹۱، منیرا ۲۰۱۰، کوبایاشی ۲۰۰۷ و بوکاونسکای ۲۰۰۲) همسو است. فردگرایی عمودی معطوف به خودمداری، منیت کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران اتکای افراطی به خود و داشتن شخصیت اقتدارگراست. فردگرایی افقی، یکی از شاخص های توسعه یافتگی تلقی می گردد و معطوف به خودباوری، خودشکوفایی، اعتماد بنفس و استقلال فردی است که همگی داری بار ارزشی مثبت هستند.

در واقع می توان بدین صورت بیان کرد که جهانی شدن در فرآیند فردگرایی، نقش شمشیر دو لبه را دارد، یعنی اینکه جهانی شدن هم باعث گسترش فردگرایی افقی و هم باعث گسترش فردگرایی عمودی می شود. دوران مدرن با فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی خود، مانند: موبایل، اینترنت، ماهواره، بازی های رایانه و... اوقات فراغت جوانان را به صورت کاملاً فردی

و شخصی پر می‌کنند و عامل مهمی در ایجاد خلوت مستقل فردی در جوانان و همچنین سایر افراد جامعه هستند. در نتیجه این امر، هر چه جوانان از فناوری‌های نوین اطلاعاتی بیشتر استفاده کنند، از حوزه مستقل تر و میزان خلوت شخصی بیشتری در زندگی خود برخوردار می‌شوند و بر میزان فردگرایی آنان نیز افزوده خواهد شد. و از آنجا که ابزار اساسی جهانی شدن و دهکده جهانی وسایل ارتباط جمعی و فناوری‌های جدید می‌باشند، جهانی شدن از طریق وسایل ارتباط جمعی باعث گسترش فردگرایی جوانان می‌شود.

این تغییر و تحولات را جفری آرنت به شیوایی تمام بیان می‌کند که اشخاص جوان علاوه بر هویت ملی و فرهنگی خویش، هویت جهانی را بر می‌گزینند که به آنان حس تعلق به فرهنگ جهانی می‌بخشد و موقعیت آنان را در جهان تثبیت نموده، قالبی را برای زندگی در جهانی متغیر ارائه می‌دهد. به باور گیدنز افراد هویت‌های خویش را بر می‌گزینند و مجبور به انتخاب ارزش‌ها و نگرش‌ها و سبک زندگی در میان تنوعی از انتخابات هستند. لذا در فرآیند جهانی شدن و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آن، نباید هویت افراد امری منفعل و منزوی تلقی شود؛ چرا که جوانان با تأمل و درنگ به ارزیابی، انتخاب و گزینش مبادرت می‌کنند.

منابع

- ۱- احمدی، حبیب (۱۳۸۷). روانشناسی اجتماعی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۲- احمدی، فرشته (۱۳۸۳). فردیت سنگ بنای دموکراسی است، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره سوم، سال هفتم، شماره هفتم.
- ۳- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کلمه.
- ۴- اعظم‌آزاده، منصوره و توکلی، عاطفه (۱۳۸۶). فردگرایی و جمع‌گرایی و دینداری، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۳ (۹): ۱۰۱-۱۲۵.
- ۵- بهروان، حسین و علی‌زاده، اعظم (۱۳۸۶). بررسی فردگرایی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد: ۲۶-۱.

- ۶- تریاندیس، هری س (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فتی، تهران: نشر رسانش.
- ۷- جنکیز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ۸- خواجه‌نوری، بیژن و مقدس، علی‌اکبر (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی موثر بر میزان گذران اوقات فراغت، مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباده، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ویژه‌نامه پژوهش اجتماعی، شماره ۲: ۱۳۳-۱۵۶.
- ۹- خواجه‌نوری، بیژن و پرنیان، لیلا و مازیار، جعفری (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴: ۴۳-۶۶.
- ۱۰- دورکیم، امیل (۱۳۸۷). درباره تقسیم کار اجتماعی، مترجم، باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- ۱۱- رضایی، احمد و اینالو، مینا و فکری، محمد (۱۳۸۹). مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۲، ش ۴۷: ۱۴۱-۱۷۰.
- ۱۲- ریتزر، جرج (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران.
- ۱۳- سبحانی، جلیل (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی (مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان، مطالعات ملی، ش ۱۱: ۱-۴۱).
- ۱۴- سعیدی، رحمان؛ کیا، علی‌اصغر (۱۳۸۵). نقش جهانی شدن و رسانه‌ها در هویت فرهنگی، تهران: نشر خجسته، چاپ اول.
- ۱۵- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر فردی، مجموعه مقالات نخستین همایش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.
- ۱۶- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاک‌باز، تهران نو.
- ۱۷- کوزر، لوئیز (۱۳۷۹). بزرگان جامعه‌شناسی کلاسیک، ترجمه محسن ثلاثی، تهران.

- ۱۸- کیلی، ری؛ مارفیلیت، فیل (۱۳۸۲). جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورانی- بیدختی، مجید علی شیخ‌علیان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۹- کیویستو، پیت (۱۳۸۰). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۲۰- گیبینز، جان آر، بوریم (۱۳۸۴). سیاست پست‌مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، انتشارات گام نو.
- ۲۱- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). جهان رها شده، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، انتشارات علم و ادب.
- ۲۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه، محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- ۲۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد، تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر توفیقیان، تهران، نشر نی.
- ۲۴- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی، ترجمه، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۲۵- محسنی تبریزی، علیرضا و مجتبی، صداقتی فرد (۱۳۹۰). پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران، مورد پژوهش: شهروندان تهرانی، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، ش ۳: ۲۲-۱.
- ۲۶- معدنی، سعید (۱۳۹۱). جهانی شدن فرهنگی و تاثیرات آن بر ارزش‌های زناشویی و روابط خانوادگی، پایان‌نامه دکترا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۲۷- معیفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۹). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره چهارم: ۹۴-۱۱۰.
- ۲۸- وبر، ماکس (۱۳۸۱). شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا (منصوره) کاویانی، تهران، شرکت سهامی.
- ۲۹- وثوقی، منصور و حسین، میرزایی (۱۳۸۷). فردگرایی: تأملی در ابعاد و شاخص‌ها، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۴: ۱۱۷-۱۴۲.
- ۳۰- هوفستده، گرت‌ها (۱۳۸۷). فرهنگ‌ها و سازمان‌ها، برنامه‌ریزی ذهن، ترجمه علی اکبر فرهنگی و اسماعیل کاوسی، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- 31- Bauman, Z. (2007). *Liquid Times*, Polity Press.
- 32- Beyer, P. (1994). *Religion and Globalization*, London: Sage.
- 33- Hofstede, G. (1994). *Individualism-Collectivism*, Sage, California.
- 34- Kobayashi, Yotaro (2007). *Japan's Individualism in Globalization Trend*, Glocom Communications Platform, Japanese Institute of Global Communications, http://www.glocom.org/opinions/essays/200012_kobayashi_jp_individ.
- 35- Triandis, Harry C; Bantempo, Robert and Villareal Marcelo J. (1988). *Individualism and Collectivism: Cross-Cultural Perspective on Self-Group Relation*, *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, No 2. 323-338.
- 36- Bukovansky, M. (2002). *National Collective Identity: Social Constructs and International System*, *American Political Science Review*.4 (2).
- 37- Burke, N. (2007). *Identity Process and Globalization*. Northern Illinois University .
- 38- Elliott, A. & C. Lemert (2006). *The new individualism*, London: Routledge.
- 39- Giddens, Antoni (1994). *Living in a Post-traditional Society*. In Beck, Giddens and Lash, *Reflexive Modernization*.
- 40- Herriot, P. W. Scott-Jackson (2002). *Globalization, Social Identities and employment*". *British Journal of Management*, 13: 249-257.
- 41- Jones, Andrew (2006). *Dictionary of Globalization (Definition of Globalization)*, Cambridge: Polity Press.
- 42- Koy, N. (2008). *Encountering and American Self Study Aboard and National Identity*. *Journal of Education Policy*, (17).
- 43- Monira, Bibi (2010). *Individualism and collectivism in the age of globalization: A comparison between a Scandinavian and a Middle Eastern society*, *Psykologisk institutt*, <http://urn.nb.no/URN:NBN:no-27735>.
- 44- Riesman, David (1956). *The Lonely Crowd, study of the changing American character*, with Nathan Glazer and Reuel Denney, Double day & Company INC, GARDENCITY, New York.
- 45- Sivadas, E. Bruvold, N. Nelson T. & R. Michelle (2008). *A Reduced Version of the Horizontal and Vertical Individualism and Collectivism Scale: A Four-Country Assessment*", *Journal of Business Research*, 61: 201-210.
- 46- Tomlinson, J (1999). *Globalized Culture: The Triumph of West?* In Skelton and Allen (eds) *culture and Global Change*. London: Routledge.
- 47- Triandis, H. C. Mc Cusker, C., & Hui, C. H. (1990). *Multimethod probes of Individualism and Collectivism*, *Journal of personality and social psychology*, 59, 1006 – 1020.
- 48- Triandis, H.C. (2001). *Individualism-Collectivism and Personality*, *Journal of Personality*, 69(6): 907–924.

- 49- Triandis, Harry C. and Hichele J. Gelfand (1998). Converging Measurement of Horizontal and Vertical Individualism and Collectivism, *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, No 1, 118-128.
- 50- Triandis, Harry C. McCusker, C. Hui, C. H. (1995). *Individualism and Collectivism*, Boulder, CO: Westview Press.
- 51- Triandis, Harry C.(1998). *Individualism and collectivism (Theoretical and Methodological Approach)*, Sage publication.